

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۱  
پس از یکی از سخنرانیهای کوری در این زمینه، گفته شد که او حرف تازه ای به زبان نیاورده و از او به سبب فقدان شفافیت نظراتش در باره رژیمهای پشتیبان تروریسم، انتقاد شد. به طور کلی و صرف نظر از راه تفاوت در تاکتیک، او همان سیاست دولت بوش را داراست.

بنابراین، در صورت انتخاب کوری، مهمترین سوال مطرح در آمریکا و جهان یعنی جنگ یا صلح، همچنان پاسخ نداده باقی می ماند و خطر از سر آتپایی که منافعشان در میان است، بر داشته خواهد شد.

کوری به روشنی اعلام کرد که موافق جنگ بوده است و اکنون هم معتقد به خروج آمریکا نیست. او تاریخ ۳۰ ژوئن را که دولت بوش برای تحویل اداره کشور به دست دولت دست نشانده عراق تعیین کرده را زودرس دانسته و می گوید که اکنون باید به فکر ثبات و آرامش در این کشور بود.

او معتقد است، بوش ارزش قدرتمندی را که از دوران کلینتون به ارث برده، تضعیف کرده است. بنا بر این و برای چراغ سبز دادن به رسانه ها و طیفهای قدرتمند حاکم، خواستار افزایش قدرت پنتاگون و سازمان سیا گشت. او پیشنهاد ازدیاد چهل هزار سرباز آماده به خدمت و جاسوس اطلاعاتی تحت کنترل سازمان سیا را داد. کوری، دخالت سازمان مذکور در امور داخلی و پلیس را لازم دیده تا به قول او سد بین پلیس محلی و ضد اطلاعات برداشته شود. جالب توجه است که سد یاد شده از بدو تاسیس سازمان سیا مطرح گشته و در سالهای ۱۹۷۰، برای آنکه سازمان سیا بتواند در جنبش ضد جنگ - جنبشی که خود کوری هم در آن فعالیت می کرد- جاسوسی کند، مورد استفاده قرار گرفت. روزنامه واشنگتن پست، روز جمعه ۵ مارس، و دو روز پس از سخنرانی کوری و ارایه نخستین دیدگاههایش در باره سیاست خارجی، از او به این دلیل که تصمیم ندارد ریس جمهور صلح باشد و از برخی تمایلات دمکراتها دور شده است، ستایش کرد. اکثر سناتورهای سرشناس آمریکایی از جنگ حمایت می کنند. اگر چه سناتور ادوارد کندی جنگ عراق را ویتنام بوش خواند اما هیچگونه راه حلی هم که از بحران به پیش آمده جلوگیری کند، ارایه نداد. دمکراتها با مخفی شدن در پس خواست "حمایت از سربازان"، ادامه استقرار ارتش آمریکا در عراق و اشغالگری را تبلیغ می کنند.

کوری معتقد است که دولت بوش "جنگ علیه ترور" را به خوبی اداره

نکرده و او "ریس جمهوری جنگ" بهتری خواهد بود. در واقع قسمت بزرگی از انتقادات کوری به بوش از نگاه راست است تا چپ. او می گوید: "من به بوش انتقاد نمی کنم که در جنگ با ترور، افراط کرده است. به باور من او کم عمل کرده ... جورج بوش هیچگونه استراتژی برای پیروزی نداشته است." کوری تاکید می کند: "اگر من رئیس جمهور شوم، استراتژی درستی خواهم داشت که پیروزمان خواهد کرد."

کوری معتقد است که با دستگیری بن لادن تضادها خاتمه نمی یابد و می گوید: "ما با یک جنبش جهادی، با گروههای متعدد، منابع متفاوت و اهداف متفاوت که هدف نهایی آنها ضربه زدن به آمریکا و جامعه آزاد جهان است، روبرو هستیم." او همچنین نه تنها معتقد است که نیروهای آمریکایی نباید عراق را ترک کنند، بلکه از کمبود سلاح و تسهیلات برای سربازان آمریکایی شکوه می کند. در مورد افغانستان نیز کوری خواستار اعزام نیروهای نظامی بیشتری به این کشور است و می گوید "افغانستان هرگز نباید به دست نیروهای جنگجوی افغانی داده می شد." او حتی در سخنرانی در ایالت نیویورک، همزمان با رقیبش جان ادوارد و آل شارتون، از دولت بوش به خاطر تاخیر در فرستادن نیرو به هایتی نیز انتقاد کرده و با اشاره به بوش گفت: "طبق معمول دیر کرد" و افزود "من هیچگاه نمی گذاشتم اوضاع به این صورت از کنترل خارج شود."

سناتور کوری روز ۹ آوریل در رابطه با حوادث اخیر عراق، گفت: "این مسولیت رئیس جمهور است که توان موفقیت ما را بالا ببرد و به لحاظ مادی و جانی تلفات ما را پایین بیاورد." او پرسید: "چرا آمریکا باید این مشکلات را به تنهایی تحمل کند." سخنگوی دفتر انتخاباتی بوش استیو اشویت می گوید که کوری باید علیه کسانی که این فجایع را در عراق بوجود می آورند صحبت کند، اما او "سیاست بازی می کند" و حملات او، نشانی از داشتن استراتژی مورد ادعایش ندارد.

سناتور کوری در ۱۲ فوریه سال جاری در رابطه با جمهوری اسلامی، باردیگر به سیاست بوش حمله کرد و گفت که جنگ علیه تروریسم را به شکل دیگری پیش خواهد برد و همزمان "پلهایی به سوی دنیای اسلام خواهد ساخت." او خواستار رو در رویی جدی تری با عربستان سعودی و نرمش با رژیم ملاها گشت. کوری گفت نقاط مشترکی از جمله مبارزه با خروج مواد مخدر از این کشور را با ایران بوجود خواهد آورد. او همچنین به مبادله

"تروریستهای ضد حکومت ایران (نیروهای مجاهدین در عراق) با اعضای القاعده و طالبان" اشاره کرد. کوری افزود: "ایران چالش بزرگی بر سر راه ما است و رابطه ما به لحاظ بی اعتمادی، تهدید سلاح اتمی، وجود نیروهای القاعده در این کشور و همچنین بمب گذاری ۱۳ مه در عربستان سعودی به مسولیت رهبران این کشور، تیره شده است. اما من معتقدم که آمریکا نیز باید مانند مذاکرات اخیر انگلیس - فرانسه و آلمان، با ایران ارتباط داشته باشد، همانطور که من آماده بهبود روابط مان با ویتنام بودم." از سوی دیگر، با اینکه بوش روش غیر دمکراتیک انتخابات در ایران را سبب تاسف خواند، کوری بدون هیچ برخوردی از آن گذشت. برخی بر این باور هستند که باند خامنه ای گمان می برد که کوری ریس جمهور خواهد شد و از این جهت دیگر تحت فشار دولت بوش قرار نگرفته و به راحتی توانست اصلاح طلبان را بکنار گذارد.

کوری همچنین احتمال حمله نظامی به کره شمالی را ناممکن دانسته و می گوید که دولت بوش می بایست مسئله سلاح کشار جمعی در این کشور را جدی تر از عراق پی گیری می کرد. در برخورد به بحران اسرائیل و فلسطین نیز او معتقد به ایجاد دیواری برای تعیین مرز بوده که طبق آن قسمت وسیعی از کناره غربی، تحت اداره یهودیان مهاجر قرار گرفته خواهد شد.

## در صحنه داخلی،

در هیچیک از مواردی که کوری به آنها اشاره کرده است، راه حلی عملی برای حل بحرانهای اجتماعی در آمریکا یافت نمی شود. در کشوری که یک در صد از ثروتمند ترین افراد جامعه دارای ۴۰ درصد از ثروت هستند، احتمال عملی گشتن حداقلهایی هم که او مطرح می کند، وجود ندارد. حزب دمکرات که همواره ادعای رفورم اجتماعی داشته است، این داعیه را در نهایت در دوران کلینتون به آزمون گذارد. شکست در ایجاد برنامه برای بهداشت و درمان رایگان و نابودی مددهای اجتماعی در این دوران، از دستاوردهای اجتماعی رییس جمهور سابق دمکرات بود.

باید یاد آورد که اگر چه کوری موافق آزادی سقط جنین است، اما همزمان موافق مجازات اعدام در زمانی که تروریستی محکوم شده باشد، نیز می باشد.

کوری همچنین به USA Patriot Act رای مثبت داده است ( در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱ جورج دبلیو بوش قانونی را

به امضا رساند که طبق آن به نیروهای پلیسی در داخل آمریکا و آژانسهای اطلاعاتی، حق جاسوسی در فعالیتهای اینترنتی مردم داده می شود). این قانون به بهانه درگیر بودن آمریکا در جنگ با ترور تنظیم شده اما در واقع هدف آن کنترل جنبش دفاع از آزادی بیان و ضد جنگ طرح ریزی شده که اعتراض بسیاری از مردم آمریکا را در پی داشته است.

## جمع بندی

از آنچه که تاکنون سخن رفت، اینگونه به دست می آید که هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه در آمریکا، وسیله ای در دست طبقه حاکمه این کشور هستند که طی یک قرن با به کارگیری دمکراتها در مواقع لازم، جنبشهای اجتماعی را که برای این طبقه تهدید به شمار می آیند را سرکوب و نابود کرده اند.

از پوپولیستهای سالهای ۱۸۹۰، تا جنبش توده ای اتحادیه های صنعتی در سالهای ۱۹۳۰ و مبارزات برای حقوق مدنی و مبارزات ضد جنگ سالهای ۱۹۶۰، سیستم دو حزبی در انحصار سیاسی طبقه حاکم بوده که هرگونه تلاش برای رفع سیستم بهره وری از زحمتکشان را ناکام کرده است. این دو حزب تا کنون مانعی در برابر توده مردم جهت یافتن آلترناتیو بهتر بوده اند. تنها راه رهایی از فقر، نابرابری اجتماعی و به ویژه جنگهای امپریالیستی، در خارج از این میدان ترسیم می شود.

آنچه که اکنون برای کوری در این انتخابات برتری ایجاد کرده است، ثروتی است که در اختیار دارد. اگر چه طبق قانون وی تنها میزان معینی از آنرا می تواند خرج کند. کوری در هیچ زمانی تا این حد در رفاه کامل زندگی نکرده است. اکنون نیز به نظر می آید که کوری برای به دست گرفتن ریاست جمهوری، مانند گذشته، سیاستهای ضد و نقیض خود را دنبال خواهد کرد و به هرسو که منافعش حکم کند و رای برای او به صندوق بریزد، تمایل پیدا کند. وی در رابطه با برگزیده شدنش از سوی حزب دمکرات در رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری می گوید که به خاطر اینکه هم اکنون کاندید انتخابات گشته است، احساس آزادی می کند. او توضیح می دهد: "حال آنچه که فکر می کنم هدف باید باشد را مشخص می کنم، نه اینکه مجلس سنا چه کند و نه اینکه مجلس نمایندگان چه کند. در این راه یا بالا می روم و یا سقوط خواهم کرد."